

نگاهی به نذورات مردم در دوره قاجار

رقیه ابراهیمی*

در زندگی انسان‌ها، پاره‌ای ارزش‌های مثبت و منفی، پاک و ناپاک و مقدس و پلید وجود دارند که یا زاینده تفکر انسان‌ها یا از تجلیات قدرت خداوندند. وجود همین امور یا اشیای آلوده و منحوس در محیط پیرامون، انسان را بر آن داشت تا برای رویارویی یا لااقل همزیستی توأم با آرامش با این پدیده‌ها، خود را مجهز و آماده سازد. پس طریق تبرک و توسل جستن به نیروهای مقدس و پاک را برگزید و یکی از زمینه‌های تجلی این بهره‌مندی را در نذر و نیاز یافت. و اینچنین سنت نذر برای رهایی یا برحذرماندن از فلان شیء یا شخصیت پلید یا ارواح خبیث در میان اکثر اقوام و فرهنگ‌ها رواج یافت؛ مثل سنت نذر و توسل برای آناهیتا، الهه آب‌های روان و آبادانی در ایران باستان، یا نذر و توسل به درخت مقدس در هند و...، اگرچه به تدریج این سنت مستمسک و وسیله‌ای شد برای برآورده شدن هر حاجت یا آرزویی که بشر با امکانات مادی در دسترس تحقق آن را ناممکن می‌دانست.

* کارشناس تاریخ

این سنت کهن در دوره اسلامی نیز ادامه یافت و با نذر و احکام آن، که به صورت مؤثرتر و قوی‌تر در دین اسلام وجود داشت، درآمیخت و به رشد خود ادامه داد و به صورت مدون‌تر و منسجم‌تری درآمد.

اگر با نگرشی اندیشمندانه به منابع قبل از اسلام و سپس دوره اسلامی بنگریم، شاهد بالندگی هرچه بیشتر این رسم کهن در ادوار مختلف تاریخ ایران خواهیم بود. چنانکه می‌دانیم، در دوره قاجاریه ایران شاهد رفت و آمدهای مستمر و مداوم اروپاییان بود و این افراد، به دلایل مختلف (سیاحتی یا مأموریت سیاسی) به ایران پا می‌نهادند. اما نکته مشترک میان همه سیاحان، نگاه تازه آنان به آداب و رسوم ایران بود و یکی از این رسوم که در این دوره رواج بسیاری داشت و غالباً مردم در مواقع رویارویی با مشکلات و بیماری‌ها به آن روی می‌آوردند، نذر بود. جالب است که گاه حال و هوای نذر و اعتقاد عمیق به آن در اروپاییان نیز اثر می‌کرد و آنان نیز به آن به دیده تأیید می‌نگریستند. مسلم است بسیاری از نذورات از قبیل نماز و روزه و صدقه از چشم سیاحان و مؤلفان کتب پنهان می‌ماند ولی بعضی نذورات مانند نذر غذاها، رفتن به اماکن مقدسه و بقاع متبرکه علنی و مشخص بودند و چشم هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کردند. این پژوهش در صدد است به بیان پاره‌ای از این نذورات و علل آنها بپردازد.

قاجاریه، انواع نذر، محرم، امام حسین (ع)

در این پژوهش سعی شده است از مناظر مختلف به موضوع نذر نگریسته شود، بنابراین هم منابع داخلی و هم خارجی مورد استفاده قرار گرفته است تا پژوهش به دیدگاهی خاص محدود نشود. منابعی که در همین کار به آنها رجوع شد، شامل تاریخ عمومی دوره قاجاریه، سفرنامه‌های سیاحان خارجی و سفرنامه‌های رجال و شخصیت‌های ایرانی بود.

پرسش‌های اصلی پژوهش این است که انواع نذورات و علل آن، به‌ویژه توسل به ائمه و سایر افراد در دوره قاجاریه چگونه بوده است؟ و آیا توسل و نذر با ورود دیدگاه‌های مختلف به ایران از طریق مستشرقان و ایرانیانی که به خارج می‌رفتند و طبعاً در بازگشت تفکر جدیدی را وارد می‌کردند، تغییر کرد یا نه؟ فرضیه این است که با ورود تفکرات جدید، سطح توسل و نذر و نیاز پایین آمده باشد.

نذر آن است که انسان برخوردار واجب کند که کار خیری را برای خدا انجام دهد، یا کاری را که نکردن آن بهتر است، برای خدا ترک نماید.^(۱)

شرط است نذرکننده مکلف باشد و مختار. ممکن است نذرکننده چند غرض از نذر خویش داشته باشد. یکی آنکه چون خداوند متعال کار خیر را دوست دارد و حاجت نیکوی آن کار خیر را محقق می‌سازد، وی قصد عمل خیری می‌کند و ضمن آن خواسته خود را نیز از خداوند می‌خواهد.^(۲) در صورتی که با رعایت شرایط آن خواسته تحقق یابد، التزام وفای به نذر واجب خواهد بود.^(۳)

نذورات ممکن است در اشکال مختلف و در مواقع و جایگاه‌های متفاوت به مناسبت‌های گوناگون از سوی افراد انجام شود. مسلم است نذورات اشکال مخصوص به خود را خواهند داشت. با وجود اختصاص نداشتن نذورات به ایام خاص، عمل به آن در ماه‌های مختلف سال به یک اندازه نیست. به طوری که به لحاظ تعدد و تنوع، در ماه‌های محرم و صفر شاهد بیشترین و متنوع‌ترین نذورات از سوی مردم هستیم.

چنانچه گفته شد، نذورات انواع مختلفی دارند، اما شاید خالی از لطف نباشد، به انواع غذاها و نوشیدنی‌های نذر شده در ماه‌های محرم و صفر بپردازیم. اولین و احتمالاً متبرک‌ترین نذر از گذشته تا امروز نذر سیراب گردانیدن عزداران حسینی بوده است. این نذر جایگاه خاصی در میان مردم دارد و از تقدس بسیار بالایی برخوردار است، به طوری که این تقدس از چشم سیاحان و جهانگردان اروپایی نیز پوشیده نمانده است.

بنجامین، نخستین سفیر آمریکا در ایران در خاطرات خود چنین نوشته است:

«در میان عزاداران به قیافه جالبی برمی‌خوریم که ۴۰ تا ۵۰ سال پیش نذر کرده بود که در محرم به یاد لب تشنه شهدای کربلا به مردم آب دهد و هر ساله نذر خود را در تکایا ادا می‌کند.»^(۴)

توزیع شربت در شب عاشورا از نذورات بسیار رایج است.^(۵) اهمیت و ارزش این نذر تاکنون نیز حفظ شده است. از دلایل اهمیت آن، همدردی با شهدای کربلاست. مردم به یاد لب تشنه علی‌اصغر، فرزند خردسال امام حسین(ع) و سایر شهدا و اسرای کربلا، هر ساله به مردم عزادار آب و شربت می‌دهند. نذر بسیار رایج دیگر، تأمین مخارج تکایا و مساجد بود که در پاره‌ای از موارد از سوی افراد متدین و صاحب نذر انجام می‌شد.^(۶)

نوع بعدی نذر، اطعام عزاداران حسینی است. برای ادای این نذر اغلب به هنگام غروب آفتاب بعد از مراسم عزاداری، برای عزاداران غذای نذری آماده می‌کنند و به آنان شام می‌دهند.^(۷) این غذاها شامل انواع مختلف و در مقادیر گوناگون بود که بستگی به نذر و همچنین صاحب نذر داشت که فردی متمول، متوسط الحال یا فقیر باشد. از این‌رو، در ماه محرم، به‌ویژه ۱۰ روز اول ماه، در هر کوی و برزنی به یاد امام حسین(ع) و شهدای کربلا، غذای نذری تهیه می‌شود.

اولین غذای رایج پلو ساده و گوشت و ادویه بود. این نذر به علت کمبود برنج در آن زمان، به گروه خاص و اعیان اختصاص داشت که توانایی خرید این محصول را داشتند. برای ادای نذر نیز صبح زود پلو را بار می‌گذاشتند و گوشت را می‌پختند و ادویه را نیز به غذا اضافه می‌کردند و در بین مردم پخش می‌کردند. تقسیم غذا به این شکل بود که گروهی ظرف‌هایشان را پیشاپیش می‌فرستادند و بعد از آماده شدن غذا صاحب خانه ظرف‌ها را پر می‌کرد و نزد صاحبانش می‌فرستاد. برای اقوام و خویشاوندان نیز غذاهایی جداگانه فرستاده می‌شد. اما بخش بیشتری از غذا در میان فقرا و نیازمندان توزیع می‌شد که معمولاً جلوی درب منزل صاحب نذر جمع می‌شدند.^(۸)

نذر جالب دیگری که شکل خاصی نیز داشت، نذر نان و ماست بود. این نذر خاص حضرت عباس(ع) بود و در روز تاسوعا ادا می‌شد. دلیل ادای این نذر در روز تاسوعا، اختصاص این روز به عباس بن علی، علمدار کربلا بود. مطابق اعتقادات ایرانیان، حضرت عباس(ع) در چنین روزی با اعلام وفاداری به امام حسین(ع) و نیز نپذیرفتن امان‌نامه لشکر یزید، مردانگی به خرج داد و با رشادت، شهادت را برای خود خرید. پس شایسته بزرگواری و اختصاص روز تاسوعا به ایشان است.

مقدار و چگونگی و اهدای این نذر یک من نان و یک من ماست بود که به عدد هر سال که بر سن صاحب نذر اضافه می‌شد، یک واحد هم بر میزان نذری سال قبل افزوده می‌گشت.^(۹)

نذورات ماه صفر نیز بسیار زیاد بودند. یکی از نذوراتی که در ماه صفر در روز اربعین ادا می‌شد، نذر آتش شله قلمکار امام زین‌العابدین(ع) بود. روش پختن این آتش بدین صورت بود که گوشت یک گوسفند و یا بیشتر را با مقداری برنج، نخود، لوبیای چشم بلبلی و سنبليله مخلوط می‌کردند و در حال پختن آنقدر به مواد، کفگیر می‌زدند که استخوان‌های گوسفند به طور کامل جدا شوند و آتش به شکل حلیم درآید.^(۱۰) گونه دیگر نذر که امروزه نیز به قوت خود باقی است، نذر حلوای زعفرانی است که مرکب از آرد، شکر، روغن و زعفران فراوان بود. این نذر اختصاص به روز اربعین داشت.^(۱۱)

نذر شله زرد که امروزه نیز مرسوم است، از نذورات پرتطرفدار و جذاب دوره قاجاریه بود و همانند امروز از برنج، شکر، روغن، زعفران و خلال بادام تهیه می‌شد.^(۱۲) همچنین نذر آتش رشته است که در چهارشنبه آخر صفر پخته می‌شد. انتخاب چهارشنبه آخر صفر نیز دلیل خاص و جالب خود را دارد؛ چرا که این روز را روز خروج مختار ابن ابی عبید ثقفی به خونخواهی خاندان امام حسین(ع) می‌دانند.^(۱۳) خوراک‌ها و غذاهای ذکر شده، از جمله نذورات افراد در ماه‌های محرم و صفر به شمار می‌روند، اما نذورات دیگری جز غذا یا نوشیدنی نیز در میان مردم رواج داشتند

که نذر ۴۱ منبر باز مختص ماه محرم و شب عاشورا بود. به این ترتیب که افراد شب عاشورا به تکایا می‌رفتند و زیر منبر، ۴۱ شمع روشن می‌کردند. این نذر بیشتر در میان مردم عادی معمول بود، ولی گاه دیده می‌شد که اعیان و اشراف هم با پیشخدمت‌ها و فراشان خود پای منبرها می‌رفتند و شمع روشن می‌کردند. تعداد شمع‌ها بستگی به نذر داشت. نذر برخی افراد ۴۱ شمع کامل بود، ولی گروهی تنها پنج، هفت یا ده شمع در تکایا روشن می‌کردند.^(۱۴)

اشخاصی که کودکانشان در خردسالی می‌مردند و به اصطلاح بچه‌هایشان پا نمی‌گرفتند، برای فرزند خود شمعی تقریباً بلند نذر می‌کردند. این شمع که البته سال به سال با رشد صاحب نذر، بلندتر می‌شد، باید قبلاً تهیه و در شب عاشورا به تکیه برده می‌شد. محل روشن کردن شمع نذری میان باغچه بود و شمع‌ها را بایستی میان گل‌های باغچه می‌نشانند و روشن می‌کردند.^(۱۵)

بسیاری از نذورات نیز اختصاص به ماه محرم و صفر نداشتند و ادای آنها در سایر ماه‌های سال هم مرسوم بود. همچنین نذر کردن اختصاص به هیچ طبقه‌ای نداشت و حتی گزارش‌هایی از نذر درون خاندان شاهی وجود دارد. یکی از جالب توجه‌ترین نذورات در دوره قاجاریه آتش نذری ناصرالدین شاه بود. این آتش‌ها را هر ساله درباریان با نظارت شاه می‌پختند. درباره علت این نذر گفته شده است که احتمالاً نذر مادر شاه برای سلطنت پسرش بوده است.^(۱۶)

این نذر ابتدا نذر آتش بود، ولی رفته رفته تبدیل به معجونی شد که از همه قسم میوه و سبزیجات و گوشت و چاشنی در آن یافت می‌شد. روش ادای این نذر بدین ترتیب بود که در روزی از روزهایی که شاه در بیلاق به سر می‌برد،^(۱۷) چادرهایی در آنجا برپا می‌کردند و اسباب و وسایل آتش را مهیا می‌ساختند و آتش در دیگ‌های بزرگ بار گذاشته میشد.^(۱۸) مواد مورد مصرف در این آتش به این قرار است:

گوسفند دوازده رأس، بره نه رأس، مرغ شصت قطعه، روغن بیست من، بادنجان، مغز بادام، اسفناج، کرفس، پیاز، کاهو، عسل، سیب، آب غوره، آب لیمو، ترب، تره، جعفری، شنبلیله، ترخون، نعناع، گلابی، هندوانه، گردو و...^(۱۹)

نذر دیگری که در میان مردم عامه رایج بود، نذر سمنو بود. روش طبخ سمنو بدین ترتیب بود که مقداری گندم را در آب می‌ریختند و پس از جوانه زدن و ریشه درآوردن آن سبزی و ریشه را می‌کوبیدند. آبی را که از این عمل به دست می‌آمد، قوام می‌آوردند و مقداری آرد، فندق، بادام و گردوی پوست‌دار را در آن می‌ریختند. شیرینی سمنو از گندم بود. معمولاً آشپز تنها در آشپزخانه می‌ماند و مشغول ذکر می‌شد. کسی حق ورود به مطبخ را نداشت و پس از نیم ساعت که اثر گلوله‌های بخار در سطح مواد ظاهر می‌شد، زنان با سلام و صلوات وارد مطبخ می‌شدند و در سمنو را بلند می‌کردند. آشپز نیز معمولاً پیرزن صالحه‌ای بوده است.^(۲۰)

نذر سفره سبزی نذر دیگری بود. این غذا از غذاهای متبرک قدیمی ایرانی به شمار می‌رود که بعدها رنگ و بوی اسلامی به خود گرفت و داخل نذورات مذهبی شد. در این سفره، همه غذاها گیاهی بودند و هیچ گونه غذای حیوانی یافت نمی‌شد. غذاها شامل میوه‌جات، سبزی‌جات و... بودند. این سفره ممکن بود به مناسبت‌ها و علل گوناگون برپا شود.^(۲۱)

نذر آجیل مشکل‌گشا نذری بود که باز به ایران قبل از اسلام برمی‌گشت و مرکب از خرما، کشمش، توت خشک، مغز بادام، فندق، پسته، نخودچی و گردو بود. روش ادای این نذر چنین بود که صاحب نذر خود ظرفی در دست می‌گرفت، پولی را که باید به عنوان قیمت آجیل پرداخت شود، در آن قرار می‌داد و یا اگر ظرفی نبود، پول را در گوشه دستمالی می‌گذاشت و به آجیل‌فروش می‌داد، آجیل‌فروش مقدار آجیل موردنظر را در ظرف می‌ریخت و بدون اینکه سخنی رد و بدل شود، صاحب نذر آجیل را می‌گرفت و به منزل می‌رفت. این آجیل باید از سوی سه نفر پاک می‌شد. خرما را هم به اندازه کشمش ریز می‌کردند و به مواد می‌افزودند و شخص مزبور نیت خود را با ایما و اشاره به سه نفر می‌فهماند و آنان دردل آرزوی برآورده شدن حاجت او را می‌کردند و آن وقت زمان تقسیم آجیل فرامی‌رسید.^(۲۲) برآورده کردن نذر آجیل مشکل‌گشا زمان خاصی نداشت، ولی بسیاری از افرادی که چنین نذری داشتند، در ایام خاص نذر خود را ادا می‌کردند.^(۲۳)

تقلید و تعزیه‌خوانی نیز نقش مؤثری در برآورده شدن نذورات ایفا می‌کرد. بانی تعزیه‌خوانی شدن یا کمک مالی در برپایی آن، ایفای نقش در تعزیه‌خوانی، سقایی کردن، قهوه‌چی بودن، جای دادن، گلاب افشانی کردن در مجالس، دادن اسباب برای مجلس تعزیه، و جارو کردن صحن از جمله خدمات‌ها و کارهایی بود که افراد برای ادای نذرهایشان و برآورده شدن حاجاتشان انجام می‌دادند.^(۲۴)

نذر تعزیه حضرت عباس، نذر عروسی قاسم، نذر تعزیه بلقیس و حضرت سلیمان^(۲۵) و نذر به عروسی رفتن حضرت فاطمه^(۲۶) بسیار جالب توجه بودند.

چنانچه می‌دانیم ایران دوره قاجاریه به لحاظ بهداشتی و پزشکی وضع چندان خوبی نداشت، از این رو نذر برای شفای بیمار در میان خانواده‌های ایرانی بسیار مرسوم بود. این نذر معمولاً بعد از ناامیدی از اقدامات حکیم و نیز برای درمان سریع‌تر بیمار انجام می‌شد. خانواده‌های بیماران اقدام به بستن دخیل یا نذر و نیاز می‌نمودند و معمولاً بعد از بهبودی بیمار آن را ادا می‌کردند.^(۲۷)

این نذورات به هنگام شیوع بیماری‌ها و سایر بلاها بسیار بیشتر می‌شدند. مانند نذر روضه‌خوانی یا نذر آش زین‌العابدین که به هنگام شیوع بیماری وبا در تهران و مرگ بسیاری از مردم رایج شده بود، به طوری که در هر کوی و برزنی این آش پخته می‌شد و صدای روضه‌خوانی به گوش می‌رسید.^(۲۸)

یکی دیگر از صورت‌های اجرای نذر، هدیه مقداری پول یا هر چیز دیگر به یک فرد سید، در صورت پیدا شدن شی یا شخص موردنظر بود.^(۲۹)

نذر دیگری که در میان قشر خاصی از جامعه، یعنی «زنان» رواج بسیار زیادی داشت، نذر قربانی کردن گوسفند یا هر حیوان دیگر، برای جذب محبت شوهرانشان بود. این زنان، در راه خدا و با توسل به پیغمبر و سایر ائمه معصومین، چیزی نذر می‌کردند و به فقرا می‌دادند تا شوهرانشان دل به زن دیگری نبندند. بیشتر نذورات برای امام حسین(ع) بود.^(۳۰)

گونه دیگر نذر، نذری بود که درویشان انجام می‌دادند؛ بدین ترتیب که عده‌ای از درویشان نذر می‌کردند تا آخر عمر خود مجرد زندگی کنند و پاک و منزّه بمانند.^(۳۱)

نذرهایی هم اختصاص به اماکن زیارتی، به‌ویژه مکه و مدینه و عتبات عالیات داشتند که عبارت بودند از خواندن سوره یا سوره‌هایی از قرآن یا نماز، و نذر رسیدن ثواب آن برای فلان مرحوم یا به روح ائمه معصومین(ع).

چنانچه در سفرنامه معتمدالدوله می‌خوانیم:

«در حجر اسماعیل دو رکعت نماز خواندم و پس ثواب آن را به انسیه الحورا (فاطمه زهرا) نیاز کردم».

«سوره نجم را خواندم و ثوابش را به روح والده محترم نیاز کردم.»^(۳۲)

افراد بسیاری بودند که نذر می‌کردند به شرط تحقق امری، هدیه یا پیشکشی برای فلان مسجد کنار بگذارند. جالب است این هدیه و پیشکشی اختصاص به مسلمانان نداشت و در میان مسیحیان نیز رایج بود.

از دیگر نذورات، نذر برای بقاع متبرکه و امامزاده‌هایی بود که در شهرها و روستاها وجود دارند. بقاعی که در ایران در اولویت نخست قرار داشتند، مرقد امام رضا(ع) در مشهد، مقبره حضرت معصومه(ع) در قم و شاه چراغ برادر امام رضا(ع) در شیراز بودند. البته بسیاری از افرادی که دسترسی به این بقاع متبرکه نداشتند، نذورات خود را در امامزاده‌های محل زندگی خود ادا می‌کردند، چنانکه میرزا حسین فراهانی می‌گوید:

«یکی از امامزاده‌ها، امامزاده اسماعیل است که نذر و قسم او در نهایت تأثیر است و کرامات تجربه شده و کرامات به ظهور رسیده»^(۳۳)

توسل به امامزاده‌ها و پیامبران در میان سایر ادیان نیز رایج بود. چنانچه مقبره ذی‌الکفل نبی، محلی بود که علاوه بر مسلمانان، نذورات بسیاری از یهودیان به آنجا سرازیر می‌شد.^(۳۴)

یکی از نذوراتی که از زمان‌های بسیار کهن در ایران و سایر ملل رواج داشت، نذر درخت مقدس بود. توسل و نذر به درخت مقدس به دلیل اعتقاد به قدرتی بود که انسان‌ها به وجود آن در بطن درخت و اثرات کیهان‌شناختی آن داشتند.^(۳۵)

همان‌گونه که گفته شد، این رسم از قدیم‌الایام در ایران نیز وجود داشت. چنانکه ناصرالدین‌شاه در سفرنامه خود، به درختی در محله «کالپوش»، میانه راه تهران -

خراسان اشاره می‌کند که زیارتگاه اهالی بود و اهالی، نذورات و حدودات خود را به آنجا می‌بردند.^(۳۶)

از دیگر صورت‌های نذر وقف و امور وقفی بود. وقف به صدقه جاریه یا حبس کردن عین ملک یا مال اطلاق منفعت تعریف کرده‌اند. اطلاق منفعت یعنی؛ «در راه خدا قرار دادن و رهاکردن منافع آن و به عبارت دیگر عواید و بهره آن فی سبیل‌الله و صدقه جاریه و مستمر قراردادن است.»^(۳۷)

وقف از آغاز تا امروز در میان اقوام و ملل مختلف وجود داشته، اما حوزه آن بسیار گسترده بوده و اشکال متفاوتی داشته است که گاه به احداث بناهایی با منظور ویژه را شامل می‌شد؛ از جمله احداث قنات تحت نظارت یک نفر که به صورت وقف واگذار می‌شد و معنی آن هدیه خدا بود.^(۳۸)

دسته بعدی، احداث و وقف کاروانسرا بود. اغلب کاروانسراها وقف بودند و پذیرایی در آنها مجانی بود.^(۳۹)

همان‌گونه که گفته شد، نذر یکی از سنن اسلامی - ایرانی است که در دوره قاجاریه رواج زیادی داشت و شاید مهمترین دلیل برای رواج این سنت این باشد که نذرکنندگان می‌کوشیدند از این طریق ضمن بالابردن سطح دین‌گرایی و تزکیه روح خود، با انجام اعمال خیر و به اصطلاح «خیرات» ثواب اخروی برای خود بیندوزند و خود را به پروردگار خویش نزدیکتر گردانند. ادای نذورات به اشکال مختلف انجام می‌شد و صورت ادای آن بستگی به سطح زندگی صاحب نذر، میزان اهمیت نذر برای فرد و میزان اعتقاد باطنی به مقوله نذر داشت. به طوری که ادای بعضی نذورات سالیان متمادی ادامه می‌یافت، ولی ادای برخی نذورات طی مراسم کوچکی انجام می‌شد و دیگر تکرار نمی‌گشت. چنانکه ملاحظه شد، بعضی نذورات به طور کلی منسوخ یا از میزان آن کاسته شده است، مانند نذر نان و ماست و نذر آزاد کردن زندانیان به روشی که در متن آمده است، اما بیشتر آنها همچنان به قوت خود باقی هستند و حتی گسترش بیشتری یافته‌اند؛ مانند پخت آش رشته، شله زرد، حلوا و... و پخش آن بین مردم.

به نظر می‌رسد افکار و دیدگاه‌های جدید نتوانسته است تغییر فاحشی در میزان و شکل نذر و توسل به وجود آورد و این سنت کمابیش به روند خود ادامه داده است و اگر تغییری هم به وجود آمده، آنقدر زیاد و گسترده نبوده است که امکان انعکاس در منابع را داشته باشد.

پی‌نوشت:

- ۱- ابی‌عبدا... شمس‌الدین محمد بن جمال‌الدین مکی‌العالمی، لمعه دمشقیه، ج ۲، ترجمه علی شیردانی، قم، انتشارات دارالفکر، ج اول، ۱۳۷۳، ص ۵۱۰.
- ۲- یوسف بن علی بن مظهر الحسین‌المعروف به علامه حلی، تبصره‌المتعلمین فی احکام دین، ترجمه حاج شیخ ابوالحسن شعرانی، تهران بیتا، بیتا، ص ۶۱۲.
- ۳- دهخدا، لغت‌نامه، ج ۴۶، ص ۱۱۶.
- ۴- بنجامین، س، ج، و، ایران و ایرانیان، ترجمه مهندس حسین کردبچه، ج ۲، تهران، سازمان انتشارات جاویدان، سال ۱۳۶۹، ص ۲۹۱.
- ۵- مستوفی، عبدا...، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری ایران در دوره قاجاریه، ج ۳، تهران انتشارات زوار، ۱۳۷۱، ص ۲۸۱.
- ۶- کارلاسرنا، مادام آدم‌ها و آیین‌ها در ایران، ترجمه علی اصغر سعیدی، ج ۱، تهران، انتشارات کتابفروشی زوار، ۱۳۶۲، ص ۹۸.
- ۷- هیزش بروکش، سفرنامه (سفری به دربار صاحبقران)، ترجمه حسین کردبچه، انتشارات جاویدان، ج ۲، ۱۳۶۲، ص ۲۲۳.
- ۸- مستوفی، عبدالله، همان، ص ۲۸۱.
- ۹- همان، ص ۲۸۲.
- ۱۰- همان، ص ۲۸۳.
- ۱۱- نجمی، ناصر. طهران در عهد ناصری، تهران، انتشارات عطار، ج ۳، ۱۳۷۰، ص ۵۰۲.
- ۱۲- همان، ص ۵۰۱.
- ۱۳- همان، ص ۲۸۱.
- ۱۴- مستوفی، عبدا...، همان، ص ۳۰۲.
- ۱۵- همان، ص ۳۰۱.
- ۱۶- ناصرالدین شاه، سفرنامه به خراسان، به اهتمام ایرج افشار، تهران، بیتا، ۱۳۶۶، ص ۱۵۹.

- ۱۷- این نظر شخصی نویسنده است و در منابع دیگر به علت اشاره شده است. عبدالله مستوفی، همان، ص ۲۸۴.
- ۱۸- ناصرالدین شاه، *یادداشت‌های روزانه*، به کوشش پرویز بدیعی، تهران، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۸، صفحه ۸۹.
- ۱۹- نجمی، ناصر. *طهران قدیم*، ص ۵۴۱.
- ۲۰- مستوفی، عبدالله. همان، ص ۲۸۴.
- ۲۱- همان، ص ۲۸۲.
- ۲۲- همان، ص ۲۸۴.
- ۲۳- همان، ص ۳۲۶.
- ۲۴- شهیدی، عنایت‌الله. *تعزیه و تعزیه‌خوانی از آغاز تا پایان دوره قاجار*، با نظارت علی بلوک‌باشی، تهران، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۰، ص ۴۴.
- ۲۵- سالور، قهرمان. *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*، به کوشش ایرج افشار و مسعود سالور، ج ۱، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۶، ص ۱۲۶.
- ۲۶- ناصرالدین شاه، *روزنامه خاطرات*، ص ۸۵.
- ۲۷- پولاک، یاکوب. *سفرنامه*، ترجمه کیکاووس جهانداری، ج ۱، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۸، ص ۲۳۴.
- ۲۸- سالور، قهرمان، همان، ص ۶۵.
- ۲۹- همان، ص ۱۲۵.
- ۳۰- شیل، لیدی. *خاطرات*، ترجمه حسین ابوترابیان، ج ۲، تهران، نشر نو، ۱۳۶۸.
- ۳۱- کارلاسرنا، مادام. همان، ص ۹۱.
- ۳۲- معتمدالدوله، فرهاد. *سفرنامه*، به اهتمام نواب صفا، ج ۲، بی‌تا، ۱۳۶۶، ص ۱۹۹، ۳۰۲.
- ۳۳- فراهانی، میرزا حسین. *سفرنامه به عتبات*، به کوشش حافظ فرمانفرمائیان، تهران، بینا، ۱۳۴۲، ص ۱۹.
- ۳۴- ناصرالدین شاه، *سفرنامه به خراسان*، به اهتمام ایرج افشار، تهران، بینا، ۱۳۶۳، ص ۱۲۲.
- ۳۵- الیاده، میرچا، *رساله در تاریخ ادیان*، ترجمه جلال ستاری، تهران، نشر قومس، ۱۳۷۲، ص ۲۶۱.
- ۳۶- ناصرالدین شاه، *سفرنامه سفر به خراسان*، صفحه ۷۳.
- ۳۷- فیض، علیرضا. وقف و انگیزه‌های آن، مجله وقف میراث جاویدان، ش ۴، ۱۳۸۲، ص ۳۴.
- ۳۸- شیل، لیدی. *سفرنامه*، ص ۵۱.
- ۳۹- اورسل، ارنست. *سفرنامه*، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران، بینا، ۱۳۵۷، ص ۵۴.